چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳

شماره ۴۱۷۰

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

رهبر انقلاب در سخنانی مهم از ویژگی‌های رئیس دولت چهاردهم گفتند

کارآمد با کابینه انقلابی

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز گذشته در عید سعید غدیر در دیدار هزاران نفر از هموطنان، واقعه غدیر را زمینه‌ساز استمرار حاکمیت اسلامی و تداوم الگوی زیست اسلامی برشمردند و با اشاره به برخی فضائل امیرمومنان (ع)، تاکید کردند: «مردمی بودن نظام اسلامی و اعتقاد به تاثیر حضور فردفرد مردم در سرنوشت کشور را از مولای خود آموخته‌ایم.»

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری متن کامل بیانات ایشان بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمدلله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین. الحمدلله الّذی جعلنا من المتمسّکین بولایة علیّ بن ابی طالب امیرالمومنین و الائمّة المعصومین (علیهم السّلام).

عید سعید غدیر را تبریک عرض می‌کنم به همه شما حضار محترم و به همه ملت ایران و به همه مسلمانان عالم؛ چون عید غدیر با معنای درست و برجسته‌ای که از آن می‌شود کرد، متعلق به همه مسلمانان است؛ همه عالم اسلام باید عید غدیر را گرامی بدارند، و به معنای واقعی کلمه «عیدالله الاکبر» است. از اینکه مردم عزیز ما این عید شریف را به شکل مردمی برگزار می‌کنند، در خیابان‌ها، در مسیرهای طولانی برای عید غدیر جشن می‌گیرند، صمیمانه تشکر می‌کنم؛ ابتکار مردمی بسیار خوبی است. این روزها از طرفی حدود چهلم شهیدان خدمت است که طبعا یاد این عزیزان را برای ملت ایران تازه می‌کند؛ از طرفی هم شور و شوق انتخاباتی در بین مردم مطرح است؛ ایام حساسی است که مصادف شده با این عید سعید، عید سعید غدیر و بایستی همه ما از خدای متعال توفیق بخواهیم که بتوانیم کار خودمان را بر طبق وظیفه انجام بدهیم.

عرض من امروز یک کلمه مختصر در باب واقعه غدیر است که عرض می‌کنم، یک کلمه مختصر در باب مولی المتقین امیرالمومنین (علیه الصّلاة و السّلام) عرض می‌کنم ـ فقط برای اینکه عرض ارادتی کرده باشیم ـ بعد هم چند جمله در باب انتخابات عرض خواهم کرد؛ این فهرست عرایض امروز ما با شما برادران و خواهران عزیزی است که اینجا اجتماع کرده‌اید. در موضوع عید غدیر که عید غدیر روز اعلام خلافت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، یک تعبیر قرآنی در این روز خیلی چشمگیر و حساس است؛ آن تعبیر هم این است که در [آیات] اول سوره مائده می‌فرماید: «اَلیَومَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَروا مِن دینِکُم»؛ یعنی در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجری، روز اعلام غدیر و جانشینی امیرالمومنین، روزی است که کفار مایوس شدند از اینکه بتوانند دین مبین اسلام را قلع و قمع کنند؛ تا آن روز هنوز همچنان امیدوار بودند که بتوانند این کار را بکنند؛ اما آن روز دیگر مأیوس شدند. اَلیَومَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَروا مِن دینِکُم فَلاتَخشَوهُم وَ اخشَون؛ [می‌فرماید] حالا دیگر هیبت کفار، شما را مرعوب نکند؛ به ظواهر و کارها و خودنمایی‌هایی که کفار می‌کنند اهمیتی ندهید؛ مراقب رفتارتان در مقابل پروردگار عالم باشید؛ [مفهوم] آیه این است. چرا کفار مأیوس شدند؟ این به خاطر تداوم «حاکمیت سیاسی اسلام» است. یک وقت، عقیده‌ی اسلامی هست، عمل اسلامی هست اما سیاست اسلامی نیست، حاکمیت اسلامی نیست؛ وقتی حاکمیت اسلام به وجود آمد، روح اسلام ـ که حالا عرض خواهم کرد ـ تحقق واقعی پیدا خواهد کرد؛ روح اسلام «امامت» است. امامت، یکی از مراتب مهم شئون انبیای الهی است؛ یعنی هر کدام از پیغمبران یک امامند، دارای مقام امامتند. مقام امامت برای پیغمبران، از مقام رسالت بالاتر است. معنای رسالت پیغمبر این است که پیام الهی را به مردم می‌رساند، اما معنای امامت پیغمبر این است که این رسالت را در دل مردم، در اندیشه مردم و در عمل و کارکرد مردم اجرا می‌کند؛ این معنای امامت است. لذا شما می‌بینید خدای متعال به حضرت ابراهیم (علیه السلام)، بعد از آن همه امتحانات سختی که برای آن بزرگوار پیش آمد، در اواخر عمر او می‌فرماید: «وَاِذِ ابتَلی اِبراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قالَ اِنّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ اِماما.» خدای متعال بعد از این همه حوادث، بعد از این همه امتحانات سخت، در آخر عمر به ابراهیم می‌گوید: «اِنّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ اِماما»؛ حالا تو به مقام امامت رسیدی. چطور می‌گوییم آخر عمر؟ چون بعد ابراهیم می‌گوید: «قالَ وَ مِن ذُرِّیَّتی؟ آیا در ذریه من هم این امامت وجود دارد؟» که خدای متعال به او جواب می‌دهد. خب ذریه ابراهیم مربوط به پیرمردی ابراهیم است دیگر. حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سنین پیری ـ شاید در ۹۰ سالگی یا بالاتر ـ صاحب دو فرزند شد؛ قرآن می‌گوید: «اَلحَمدُ لِلهِ الَّذی وَهَبَ لی عَلَی الکِبَرِ اِسماعیلَ وَ اِسحاق»؛ معنای امامت این است. این امامت را پیغمبر اکرم به دستور الهی استمرار می‌دهد، منتها استمرار این امامت باید با حاکمیت سیاسی همراه باشد؛ لذا اعلام خلافت می‌کند، اعلام ولایت می‌کند؛ «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلیٌّ مَولاه.» ضمنا بدانید حدیث غدیر را فقط شیعه نقل نکرده‌اند، [بلکه] متواتر است بین شیعه و سنی؛ این حدیث را که پیغمبر فرمود «مَن کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلیٌّ مَولاه»، همه یا بسیاری از محدثین شیعه و سنی نقل کرده‌اند. خب وقتی امامت استمرار پیدا کرد، الگوی زیست اسلامی هم استمرار پیدا می‌کند. وقتی امامت در جامعه حاکمیت داشته باشد، زیست جامعه شکل اسلامی پیدا می‌کند، الگوی اسلامی در جامعه تحقق پیدا می‌کند. اگر حاکمیت سیاسی اسلام از دست برود، خسارت بزرگ این است که زیست اسلامی، زیست اجتماعی اسلامی از بین خواهد رفت؛ بزرگ‌ترین خسارت این است.

این تلاشی که ائمه ما (علیهم السلام) در طول زندگی ۲۵۰ ساله برای حاکمیت اسلام می‌کردند، مبارزه‌ای که می‌کردند، آن کاری که بعدها بعضی از بزرگان شیعه انجام می‌دادند، آن کاری که امام راحل و ملت ایران در این برهه از زمان برای ایجاد انقلاب اسلامی انجام دادند، همه برای همین است که امامت متکی بشود به حاکمیت سیاسی، و این منتهی بشود به اینکه «زیست اسلامی» در جامعه گسترش پیدا کند. زیست اسلامی یعنی چه؟ معنای چگونگی زندگی اجتماعی اسلامی چیست؟ این را در قرآن و در نهج‌البلاغه و در روایات می‌شود پیدا کرد. در این الگو، «لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط» وجود دارد، یعنی «عدالت»؛ در این الگو «اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّار» وجود دارد، یعنی «مرزبندی با دشمن»؛ در این الگو «رُحَماءُ بَینَهُم» وجود دارد، یعنی «مهربانی مومنین و مردم با یکدیگر»؛ اینها خطوط اصلی است؛ ما از هر کدام از اینها که غفلت کرده باشیم و غفلت بکنیم و زمین بماند، نقصی در الگوی زیست اسلامی به وجود می‌آید. در این الگو «عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم» هست؛ یعنی حاکم جامعه رنج مردم را با وجود خود، با همه دل خود درک می‌کند، احساس می‌کند. قرآن می‌گوید: «عَزیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّم»؛ شما سختی می‌کشید، پیغمبر رنج می‌برد. این از طرف حاکم نسبت به مردم. از طرف مردم هم «اَطیعُوا اللهَ وَ اَطیعُوا الرَّسولَ وَ اُولِی الاَمرِ مِنکُم»؛ مردم هم همراهی می‌کنند، اطاعت می‌کنند، کمک می‌کنند، دنباله‌روی می‌کنند. از این قبیل خطوط روشن برای تبیین زیست اسلامی هزار مورد یا شاید هزاران مورد در قرآن و در نهج‌البلاغه و در صحیفه سجادیه و در روایات فراوان وجود دارد و می‌شود پیدا کرد. این معنای غدیر. غدیر در واقع برای ادامه تاریخ اسلام سوغاتِ زیست اسلامی را ارائه می‌دهد؛ حالا اینها که بعد در [مورد] قضیه غدیر چه اتفاقی افتاد، بحث‌های دیگری است. معنای غدیر استمرار حاکمیت الهی و اسلامی است برای اینکه این حاکمیت بتواند آن الگوی برجسته و پیشرفته زیست اسلامی را به وسیله امامت استمرار ببخشد؛ این معنای غدیر است؛ این برای شیعه و سنی دیگر فرقی ندارد؛ همه فرق اسلامی از این بهره می‌برند. ما غدیر را با این چشم نگاه کنیم که مایه «وحدت» است؛ غدیر را بهانه‌ای برای دعوای شیعه و سنی قرار ندهیم. این نکته مربوط به غدیر.

و اما درباره امیرالمومنین (علیه الصّلاة و السّلام). ما درباره علی بن ابی طالب (علیه السلام) چه بگوییم؟ مگر ذهن بشر معمولی و چشم خرد انسان عادی و معمولی می‌تواند آن خورشید را ببینند، به او نگاه کند، به او خیره بشود؟ مگر امکان دارد؟ نه. جمال معنوی امیرالمومنین را نمی‌شود [فهمید]؛ ما‌ها نمی‌فهمیم؛ رتبه عرشی امیرالمومنین را ما نمی‌شناسیم؛ یعنی کلماتی گفته می‌شود، یک تصویری ممکن است در ذهن‌مان به وجود بیایید اما مغز و معنای آن حقیقت روشنی را که امیرالمومنین مظهر آن است، واقعا نمی‌توانیم درست درک کنیم؛ بشر معمولی نمی‌تواند درک کند؛ آن را ائمه درک می‌کنند، آن را خود پیغمبر درک می‌کند. خب پس ما چه جور از امیرالمومنین درس بگیریم؟ از کلمات خود امیرالمومنین که در نهج‌البلاغه هست و بحمدالله تدوین شده و موجود است.

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی برای جوامع اسلامی همین نهج‌البلاغه است؛ این هم اختصاص به شیعه ندارد؛ بزرگ‌ترین شرح نهج‌البلاغه را ابن ابی الحدید سنی نوشته. در همین قرن اخیر، عالم معروف مصری، محمد عبده شرح نهج‌البلاغه نوشته؛ یعنی نهج‌البلاغه فقط مال شیعیان نیست، مال همه مسلمین است؛ درس است، راه است، ارائه طریق است، بیان معیارهاست، بیان مبناهاست؛ چیز بزرگی است. ما به این نهج‌البلاغه که نگاه می‌کنیم و همچنین به آیات قرآن که نگاه می‌کنیم، می‌توانیم ابعاد شخصیت امیرالمومنین را برای درس گرفتن به دست بیاوریم. من حالا یک بخش‌های کوتاهی را عرض می‌کنم؛ یعنی واقعا شاید سال‌ها طول بکشد اگر کسی بخواهد بنشیند راجع به فضایل امیرالمومنین حرف بزند؛ با یک ساعت و نیم ساعت و ده ساعت که قضایا تمام نمی‌شود. حالا یک چند کلمه‌ای ما عرض می‌کنیم. فضایل آن بزرگوار آن چنان است که به قول خلیل بن احمد، عالم معروف قرن دوم، فضایل علی بن ابی طالب را، هم دشمنانش کتمان کردند، هم دوستانش؛ دشمنانش کتمان کردند به خاطر دشمنی؛ دوستانش کتمان کردند به خاطر خفقان، تقیه، ترس؛ کتمان کردند، نگفتند. با وجود اینکه هم دشمنان کتمان کردند هم دوستان کتمان کردند، فضایل امیرالمومنین همه دنیا را پر کرده است؛ تعبیر او این است: مَلَأَ الخافِقَین. کدام شخصیت بزرگ هست که کسانی که به دین او اعتقاد ندارند، درباره او چندین جلد کتاب بنویسند؟ این مخصوص امیرالمومنین است، این فقط مخصوص علی بن ابی طالب است. مسیحی درباره‌اش حرف می‌زند، هندو درباره‌اش حرف می‌زند، بودایی درباره‌اش حرف می‌زند، برادران مسلمان اهل تسنن که شیعه نیستند اما امیرالمومنین را کاملا قبول دارند، درباره‌اش کتاب می‌نویسند، درباره‌اش حرف می‌زنند؛ فضایل این بزرگوار این است. خب حالا من چند کلمه درباره بعضی از خصوصیات زندگی امیرالمومنین و شخصیت امیرالمومنین عرض می‌کنم که در همه اینها ایشان در اوج است. اول، یقین است؛ آنچه انسان را، پوینده راه را، پی‌گیرنده یک هدف را در راه نگه می‌دارد چیست؟ «یقین»؛ [اینکه] یقین داشته باشد، ناامید نشود، مأیوس نشود، دچار شک نشود؛ امیرالمومنین در یقین در اوج است. تعبیر خود حضرت این است: اِنی ... لَعَلی بَصیرَةٍ مِن نَفسی وَ یَقینٍ مِن رَبی. یک جمله معروفی هم هست: «لَو کُشِفَ الغِطاء مَا ازدَدتُ یَقینا» که البته من در نهج‌البلاغه این جمله را پیدا نکردم، [اما از ایشان] به هر حال نقل شده. این یقین امیرالمومنین در اوج این معنا. درباره احساس نسبت به انسان‌ها؛ نه فقط نسبت به مسلمان‌ها، نه فقط نسبت به پیروان خودش، نسبت به [همه] انسان‌ها، باز احساس او در اوج است. در نهج‌البلاغه چند مورد وجود دارد که من یک موردش را اینجا عرض می‌کنم. به حضرت خبر دادند که اشرار و الوات شامی به شکل مسلح می‌آیند در انبار و حمله می‌کنند به خانه‌های مردم و طلاها را از دست و پای زن‌ها بیرون می‌کشند، اینها را اذیت می‌کنند، آزار می‌کنند؛ [وقتی] این خبر را به حضرت دادند، حضرت این جور می‌فرماید: فَقَد بَلَغَنی اَن الرجُلَ مِنهُم کانَ یَدخُلُ عَلَی المَراَةِ المُسلِمَةِ وَ الاُخرَی المُعاهَدَةِ فَیَنتَزِعُ حِجلَها؛ ببینید! می‌گوید به من خبر رسیده که اینها وارد خانه می‌شوند که در این خانه زن هست ـ یا زن مسلمان، یا زن غیرمسلمان ـ بعد که این را می‌گوید، می‌فرماید: فَلَو اَن امرَاً مُسلِماً ماتَ مِن بَعدِ هذا اَسَفاً ما کانَ بِهِ مَلوما؛ اگر مرد مسلمان از این حادثه، از این خبر، از غصه بمیرد، مورد ملامت نیست. احساس را می‌بینید! بی‌خیال بودن نسبت به آحاد جامعه، در نقطه مقابل این احساس نسبت به تک‌تک آحاد جامعه، حتی زن غیرمسلمان؛ می‌گوید اگر مرد مسلمان بمیرد از این غیرت، از این ناراحتی که الوات و اشرار شامی وارد خانه بشوند و به زنان مسلمان [و غیرمسلمان] تعرض بکنند، از غصه اگر بمیرد، «ما کانَ بِهِ مَلوما» نمی‌شود ملامتش کرد، «بَل کانَ بِهِ عِندی جَدیرا» شایسته است، سزاوار است که انسان از غصه بمیرد؛ می‌بینید اوج احساس را! احساس دلسوزی نسبت به آحاد مردم در یک چنین اوجی؛ این هم یک گوشه دیگری از شخصیت امیرالمومنین. درمورد مساله عدالت؛ اصلا نمی‌شود انسان درباره عدالت امیرالمومنین حرف بزند؛ اصلا قابل توصیف نیست. حالا من یک جمله از حضرت نقل کردم؛ می‌فرماید: «وَاللهِ لَاَن اَبیتَ عَلی حَسَکِ السعدانِ مَسَهداً اَو اُجَر فِی الاَغلالِ مُصَفداً»، اگر سخت‌ترین شکنجه‌ها را به من بدهند، با بدن برهنه من را روی خارها بکشانند و مانند اینها، «اَحَب اِلَی مِن اَن اَلقَی اللهَ عَز وَ جَل یَومَ القیامَةِ ظالِماً لِبَعضِ العِباد»، همه اینها برای من بهتر از این است که من روز قیامت خدا را ملاقات کنم درحالی که به یک نفر ظلم کرده باشم! [اگر] بیشترین شکنجه‌ها را در دنیا به من بدهند، برای من گوارا است تا اینکه به یک نفر [ظلم کرده باشم]. آن وقت شما ببینید چه کسی این حرف را می‌زند؛ کسی که در رأس یک حکومتی است که شرق و غرب این حکومت، چند برابر ایران فعلی ما است. یعنی آن مملکتی که امیرالمومنین حاکم آن بود و امیرالمومنین آن مملکت بود ـ از رود جیحون تا رود نیل است، یعنی شامل ایران، شامل افغانستان، شامل عراق، شامل مصر [می‌شد]؛ فقط شام جدا بود که معاویه جدا کرده بود، بقیه همه تحت حکومت امیرالمومنین [بودند] ـ می‌گوید [اگر] به یک نفر از این جمعیت عظیمی که در این کشور بزرگ زندگی می‌کنند ظلم بشود، برای من سنگین‌تر است از اینکه همه عمرم شکنجه بکشم! این عدل امیرالمومنین [است]. عرض کردم درباره عدالت امیرالمومنین اصلا نمی‌شود حرف زد، از بس مساله سنگین است، از بس نشانه‌های عجیب و غریبی از عدالت این بزرگوار وجود دارد. این هم در اوج است. درمورد هوشیاری در مقابل دشمن، باز در اوج است. این هم باز از نهج‌البلاغه من یک جمله عرض کنم؛ می‌فرماید که: «وَاللهِ لا اَکونُ کَاضبُعِ تَنامُ عَلی طولِ اللَدم»؛ خلاصه معنایش این است: «من آدمی نیستم که با لالایی دشمن خوابم ببرد.» خیلی‌ها با لبخند دشمن خاطرشان جمع می‌شود که دیگر خطری نیست؛ اگر دشمن لالایی بدهد، خواب‌شان می‌برد! امیرالمومنین می‌فرماید که «وَ مَن نامَ لَم یُنَم عَنه»؛ اگر تو خوابت برد، معلوم نیست دشمن هم خوابش برده باشد، او بیدار است. نوازش دشمن و لالایی دشمن موجب نمی‌شود من به خواب بروم؛ یعنی این هوشیاری در مقابل دشمن در اوج است. یک نقطه دیگر، درمورد مردمی بودن حکومت، حق متقابل میان مردم و میان حاکم؛ «وَلَکُم عَلَی مِنَ الحَق مِثلُ الذی لی عَلَیکُم»؛ می‌فرماید همان مقداری که من به گردن شما حق دارم ـ حالا شما ببینید امیرالمومنین چه حق بزرگی به گردن مردم دارد؛ مظهر قدرت خدا، مظهر رحمت خدا، مظهر علم خدا، حقی که بر انسان‌ها دارد چقدر است؟ همان مقداری که من به گردن شما حق دارم ـ شما [هم] به گردن من حق دارید؛ مردمی بودن نظام اسلامی این است. حالا یک عده‌ای بنشینند بگویند انتخابات و دموکراسی و مردم‌سالاری و مانند اینها را جمهوری اسلامی ایران از غربی‌ها یاد گرفته! نهج‌البلاغه مال غربی‌هاست؟ مردمی بودن حکومت در زبان امیرالمومنین [این است]؛ حالا در قرآن هم آیات فراوانی وجود دارد که می‌شود از آن، این معنا را فهمید. این هم کلام امیرالمومنین است. یک جمله دیگر که باز این هم در مقام احترام به نظر مردم [است]؛ و این هم باز در اوج است. فَلا تَکُفوا عَن مَقالَةٍ بِحَقٍ اَو مَشورَةٍ بِعَدل؛ امیرالمومنینی که معدن حکمت است، معدن علم است، علم او متصل به علم خدا است، علم او از وسایل عادی به دست نیامده، این انسان با این عظمت علمی می‌گوید: فَلاتَکُفوا عَن مَقالَةٍ بِحَق؛ اگر حرف حقی به نظرتان رسید که باید به من بگویید، بگویید؛ ساکت نمانید؛ اَو مَشورَةٍ بِعَدل؛ یک وقتی می‌خواهید یک مشورتی به من بدهید، یک چیزی به نظرتان می‌رسد، مشورت بدهید. در همه چیز در اوج، از همه جهت در اوج! باز یک نکته‌ای دیگر که این هم همین مساله حضور مردم و تأثیر مردم در سرنوشت کشور [است]. می‌فرماید که «وَ لَا امرُؤٌ وَ اِن صَغرَتهُ النفوسُ وَ اقتَحَمَتهُ العُیونُ بِدونِ اَن یُعینَ عَلَی ذلک»؛ هر کسی هرچند به نظر شما کوچک بیاید و بخواهید یا بتوانید او را نادیده بگیرید، این جور نیست که در سرنوشت کشور بی‌تأثیر باشد؛ یعنی کوچک‌ترین افراد جامعه، فقیرترین افراد جامعه، بی‌دست و پاترین افراد جامعه هم می‌توانند در سرنوشت کشور مؤثر باشند. حالا اینها یک گوشه‌هایی از شخصیت امیرالمومنین است. اگر بخواهیم با زبان عادی صحبت کنیم، باید بگوییم شخصیت امیرالمومنین مثلا صد بعد دارد و حالا این چند بعدش را ما با استفاده از کلمات خود آن بزرگوار گفتیم و دیدیم که در همه این ابعاد، امیرالمومنین در اوج است؛ نه اینکه فقط دارای این ابعاد است، [بلکه] در این ابعاد، در اوج است. حالا زهد آن بزرگوار، عبادت آن بزرگوار، اخلاص آن بزرگوار، انفاق آن بزرگوار، سخاوت آن بزرگوار، اصلا حرف‌هایی است که عرض کردم، [اگر] کسی بخواهد در این باره حرف بزند، بحث یک ساعت و چند ساعت نیست؛ روزها و ماه‌ها و سال‌ها باید بنشینند حرف بزنند. لذا در کلمات خود این بزرگوار هم ابعاد دیگری را می‌شود نشان داد و پیدا کرد. انس بگیرید با نهج‌البلاغه؛ من به جوان‌ها مخصوصا تاکید می‌کنم؛ نهج‌البلاغه را یاد بگیرید. خوشبختانه ترجمه‌های خوبی از نهج‌البلاغه شده و در دسترس همه است. بخوانید نهج‌البلاغه را؛ بخوانید، ببینید که امیرالمومنین چه چیزی به ما یاد می‌دهد؛ چه درس می‌دهد و از وجود خودش چه خبرها می‌دهد. آنچه امیرالمومنین بیان می‌کند، تجسم برتر همه این ارزش‌ها خود او است. در کلمات ائمه دیگر (علیهم السلام) هم همین جور. در همین زیارت روز عید غدیر، امروز، یک زیارت معروف بزرگ مشروحی از امام هادی (علیه السلام)، با سند معتبر نقل شده که در مفاتیح هست. حالا [اینکه] چرا حضرت امام هادی (علیه السلام) راجع به امیرالمومنین به این مفصلی حرف می‌زنند، بنده یک تحلیلی دارم که خیلی به آن نمی‌پردازیم. حضرت در این زیارت به ده‌ها آیه قرآن استناد می‌کنند و [آنها را] تطبیق می‌کنند با امیرالمومنین (علیه السلام). بعد از آنکه همه این مطالب را راجع به امیرالمومنین می‌گویند ـ شاید ده دوازده صفحه است در مفاتیح ـ حضرت هادی (علیه السلام) خطاب به جد بزرگوارش می‌گوید: فَما یُحیطُ المادِحُ وَصفَک؛ کسی که تو را مدح می‌کند، نمی‌تواند به توصیف تو دست پیدا کند؛ امکان ندارد! بعد از همه این حرف‌ها ـ که ده صفحه درباره امیرالمومنین حرف زده ـ آن هم امام هادی (علی السلام) که خودش یک امام بزرگوار عرشی است، می‌گوید: فَما یُحیطُ المادِحُ وَصفَک وَ لا یُحبِطُ الطاعِنُ فَضلَک؛ آن کسی هم که با تو مخالف و دشمن است، امکان ندارد که بتواند این توصیفات عجیب را پنهان کند و مخفی کند. این [جور] است. این توصیف امیرالمومنین است. درس بگیریم دیگر، باید یاد بگیریم. امیرالمومنین (علیه الصلاة والسلام) اسمش، نام مبارکش و مدایحی که درباره این بزرگوار گفته شده، در دسترس همه ما‌ها هست و تکرار می‌کنیم اما این کافی نیست؛ امیرالمومنین معلم است، باید زانو بزنیم، یاد بگیریم. همه باید یاد بگیرند؛ رئیس باید یاد بگیرد، مرئوس باید یاد بگیرد، مدیر سطح بالا باید یاد بگیرد، امثال این بنده حقیر ـ طلبه ـ باید یاد بگیرد، آحاد مردم باید یاد بگیرند؛ باید یاد بگیریم. عرض کردم امیرالمومنین مظهر اعلای امامت است که امامت، متکفل تبیین و تاکید زیست اسلامی در جامعه است؛ این زیست را باید یاد بگیریم. البته انقلاب کمک کرد، انقلاب تحول ایجاد کرد. ملت ایران قبلا به کلی غافل بودند؛ و ما‌ها همه‌مان. رحمت خدا بر امام بزرگوار، رحمت خدا بر پیشروان این انقلاب که بسیاری‌شان شهید شدند؛ زحماتی کشیدند، کار کردند، تلاش کردند، انقلاب به پیروزی رسید، و بحمدالله توانستند تا یک حدودی [ما را آشنا کنند]، رحمت خدا بر ملت ایران؛ این به جای خود محفوظ؛ لکن ما هنوز در همان قدم‌های اولیم؛ ما‌ها باید خیلی راه برویم، خیلی باید تلاش کنیم. خب این راجع به غدیر و امیرالمومنین. چند جمله راجع به انتخابات. برادران عزیز، خواهران عزیز! انتخابات خیلی مهم است. سه روز دیگر ملت ایران در مقابل یک آزمون قرار می‌گیرد. انتخابات همیشه یک آزمون است، حالا به یک معنا بیشتر از همیشه [اهمیت دارد]. چهل روز تقریبا از فقدان یک رئیس خوب، یک رئیس جمهور محبوب، مردمی، علاقه‌مند و کاری گذشته که مردم هم او را دوست می‌داشتند و تشییع جنازه او در سراسر کشور میلیونی برگزار شد ـ که اینها همه امتیازات است ـ درعین حال در حدود چهلم او مردم دارند یک انتخابات برگزار می‌کنند؛ این خیلی مهم است؛ در دنیا نظایر این کمتر اتفاق می‌افتد. ملت ایران این همت را دارد. خب، امیدوارم ان شاءالله خدا ملت ایران را سرافراز از این انتخابات خارج کند. سرافرازی به چیست؟ سرافرازی به دو مطلب است: در درجه اول، «مشارکت حداکثری»، در درجه بعد، «انتخاب اصلح»؛ هر دوی اینها مهم است. مشارکت بالا که ما روی آن خیلی اصرار می‌کنیم، به خاطر این است که مهم‌ترین اثر مشارکت بالا، سرافرازی جمهوری اسلامی است. نظام جمهوری اسلامی از لحظه‌ای که تشکیل شده است، دشمن‌های سرسخت داشته؛ هر کار توانستند، علیه جمهوری اسلامی انجام دادند؛ تا الان هم مشغولند؛ مرتب نقشه می‌کشند، که من در صحبت‌های مختلف بیان کرده‌ام و از نقشه‌های اینها حرف زده‌ام؛ از بعضی‌ها از نقشه‌های اینها بحمدالله توانستیم پرده‌برداری کنیم تا دیده بشود که چه کار می‌خواهند بکنند؛ الان هم مشغولند. جمهوری اسلامی دشمن دارد. یکی از چیزهایی که جمهوری اسلامی را بر دشمنانش فائق می‌کند، انتخابات است. اگر مشارکت خوب مردم در این انتخابات مشاهده بشود، این مایه سرافرازی جمهوری اسلامی است. مشارکت مردم در ذات جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی ـ «جمهوری» یعنی مردم دیگر ـ [یعنی] عموم مردم با شیوه اسلامی، با روش اسلامی وارد میدان بشوند. این میدان مظاهر زیادی دارد که مهم‌ترین مظهرش همین انتخابات و تعیین مسئولان کشور است. «وارد میدان شدن مردم» معنایش این است که جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه جمهوری است، [لذا] زبان دشمنان کوتاه می‌شود. در هر انتخاباتی که مشارکت کم بوده، زبان ملامت دشمنان جمهوری اسلامی و حساد جمهوری اسلامی دراز شده، ملامت کردند. وقتی مشارکت بالا است، زبان بدگویان کوتاه می‌شود؛ نمی‌توانند ملامت کنند، نمی‌توانند شادی کنند، دشمن شاد نمی‌شویم؛ علت اینکه بنده اصرار بر مشارکت بالا دارم این است. بنابراین عنصر اول، مشارکت عموم مردم است؛ تنبلی نکنند، بی‌اعتنایی نکنند، دست‌کم نگیرند؛ در همه گوشه‌های کشور شرکت کنند. مشارکت فقط مال شهرها نیست؛ مال شهرهای بزرگ نیست؛ در انواع مراکز جمعیتی، روستاها، بخش‌ها مردم باید در انتخابات شرکت کنند تا جمهوری اسلامی در دنیا سرافراز بشود. و اما نقطه دوم: انتخاب اصلح. انتخاب اصلح یعنی چه؟ «اصلح» کیست؟ اصلح آن کسی است که در درجه اول به مبانی این انقلاب و این نظام اعتقاد قلبی و واقعی داشته باشد. «عَلی بَصیرَةٍ» و «عَلی یَقینٍ»؛ همان طور که از کلمات امیرالمومنین عرض کردیم؛ به این راه اعتقاد داشته باشد؛ این یک. رئیس جمهور فقیدمان، شهید خدمت، رئیسی عزیز، به معنای واقعی کلمه اعتقاد داشت. خب من از سابق که می‌شناختم ایشان را؛ در این دوره سه‌ساله ریاست جمهوری‌اش هم که مرتبا با ما دیدار و ملاقات داشت؛ کاملا محسوس بود که با دل و جان، با اعتقاد حرکت می‌کند؛ یکی اینکه باید اعتقاد داشته باشد؛ دوم اینکه کارآمد باشد؛ شب و روز نشناسد، دنبال کار باشد، توانایی داشته باشد برای کار کردن؛ از عناصر خوب و همکاران خوب استفاده کند که حالا من بعد در آخر، یک جمله‌ای در این زمینه خواهم گفت. توان کار و نشاط کار همراه با اعتقاد راسخ به مبانی انقلاب، موجب صلاحیت است. وقتی این صلاحیت وجود داشت، این آدم با این خصوصیات می‌تواند از همه ظرفیت‌های کشور استفاده کند.

من اینجا یک فهرستی از ظرفیت‌های کشور نوشته‌ام که بخواهم توضیح بدهم، شرح بدهم طولانی می‌شود. ما در این کشور خیلی امکانات داریم؛ البته بعضی از این امکانات طبیعی است، بعضی در این سال‌های بعد از انقلاب به مرور به وجود آمده و تولید شده، لکن دولت‌ها در استفاده از این ظرفیت‌ها یک جور نبودند؛ بعضی از دولت‌ها واقعا از این همه ظرفیت استفاده نکردند؛ بعضی از دولت‌ها استفاده کردند، بعضی هم خوب استفاده کردند. این دولت سیزدهم از دولت‌هایی بود که از این ظرفیت‌ها خوب استفاده کرد. اگر این دولت ادامه پیدا می‌کرد، بنده احتمال زیاد می‌دهم که بسیاری از مشکلات کشور، عمدتا مشکلات اقتصادی حل می‌شد. من حالا فهرست‌وار بدون توضیح [برخی را عرض می‌کنم]. باارزش‌ترین ظرفیت، جمعیت جوان تحصیل‌کرده است؛ حالا من از همه جای دنیا خیلی خبر ندارم اما در کشورهای منطقه، هیچ کشور دیگری به اندازه ما جمعیت جوان تحصیل‌کرده ندارد. هوش و استعداد ذاتی ایرانی؛ این یکی از ظرفیت‌ها است. معادن عظیم کشور؛ نه فقط نفت، نه فقط گاز. من یک وقتی گفتم جمعیت ما حدود یک صدم جمعیت دنیا است، اما معادن اساسی و مهم‌مان چهار پنج صدم دنیا است؛ یعنی چند برابر اندازه جمعیت؛ این ظرفیت است دیگر؛ از اینها باید استفاده کرد. موقعیت جغرافیایی؛ ما می‌توانیم وسیله ارتباط بین شمال و جنوب و شرق و غرب دنیا باشیم که خب مرحوم رئیسی مقدمات این کار را فراهم کرده بود که بعضی از کارهایش را هم هنوز دارند انجام می‌دهند و ان شاءالله که دولت بعدی بتواند این کار را درست انجام بدهد؛ این خیلی برای کشور مهم است.

مرز طولانی آبی با دریاهای آزاد، دریاهای جنوب و شمال، تعداد همسایگان، بازار بزرگ منطقه، بازار ۸۰ میلیونی خود کشور، تنوع اقلیمی کشور، شبکه راه‌آهن و جاده در سرتاسر کشور که این یکی از امتیازات بزرگ کشور ما است که در طول زمان در دولت‌های مختلف این کار بحمدالله انجام گرفته. توانمندی‌های فنی مردان ما و جوانان ما در امر مسکن، در امر جاده، در امر سد، در مراکز گوناگون، توانمندی‌های صنعتی کشور در ساخت انواع تجهیزات؛ اینها همه زیربنا است؛ اینها همه ظرفیت‌های مهم است، اینها زیربناهای پیشرفت کشور است. مناطق آزاد تجاری اگر درست از آن استفاده بشود؛ نه آن جوری که در طول زمان به شکل نادرستی از آنها استفاده شد. اگر درست استفاده بشود، این مناطق آزاد یا مناطق ویژه اقتصادی جزء فرصت‌های کشور است. مواریث فرهنگی و تمدنی کشور؛ اینها همه جزء امکانات مهم ما است. امکانات گسترش گردشگری.

ایمان دینی قریب به کل مردم کشور؛ این خیلی مهم است. مردم ما واقعا مردم مؤمنی هستند که شاید در کشورهای اسلامی این هم جزء موارد نادر باشد. ممکن است از لحاظ عملکرد و ظواهر و مانند اینها بعضی‌ها پایبندی درستی به شرع و شریعت و مانند اینها نشان ندهند اما ایمان دینی و اسلامی در یک اکثریت قریب به اتفاقی در آحاد کشور وجود دارد. خب، از اینها می‌شود برای پیشرفت کشور استفاده کرد. آن کسی که بتواند، اصلح است؛ بتوانند دولت‌های ما ان شاءالله از این ظرفیت‌ها استفاده کنند. آن کسی که توانایی استفاده از این فرصت‌ها، از این ظرفیت‌ها را داشته باشد، اصلح است؛ فرد اصلح، او است.

بعضی از سیاسیون در کشور ما تصور می‌کنند که باید آویزان به این قدرت و آن قدرت بشوند و بدون آویزان شدن به فلان قدرت معروف و بزرگ، در کشور نمی‌شود پیش رفت؛ بعضی‌ها این جور فکر می‌کنند یا خیال می‌کنند که همه راه‌های پیشرفت از آمریکا می‌گذرد؛ نه، اینها نمی‌توانند. این کسانی که چشم‌شان به خارج از مرزهای کشور است، این ظرفیت‌ها را نمی‌بینند؛ وقتی ندیدند، وقتی قدرش را ندانستند، طبعا برای استفاده از آنها برنامه‌ریزی هم نمی‌کنند. اینکه ما می‌گوییم چشم‌تان به خارج نباشد، یک علتش این است که وقتی چشم به خارج نبود، انسان قادر می‌شود که این ظرفیت‌های درونی را ببیند، بفهمد، بشناسد. جمهوری اسلامی به فضل الهی، به توفیق الهی تا حالا نشان داده که بدون تکیه به بیگانگان و حتی با وجود موذیگری بیگانگان و چالشگری بیگانگان می‌تواند پیش برود و پیش رفته؛ این را جمهوری اسلامی نشان داده؛ در آینده هم به حول و قوه الهی ملت ایران اجازه نخواهد داد که سرنوشتش را دیگران بنویسند. ما وقتی گاهی از این حرف‌ها در صحبت و سخنرانی می‌گوییم، بعضی‌ها یا توهم می‌کنند، یا می‌نویسند که این به معنای حصار کشیدن دور کشور است و یک عدم ارتباط با دنیا است؛ نه، ابدا. بنده از اول هیچ‌وقت [مخالف ارتباط نبودم]. ما با کم و زیادش، به قدر عمر بعضی از این حضرات، در کار سیاست و در کار مسائل انقلاب و در کار مسائل کشور بوده‌ایم. از اول معتقد به ارتباط با همه دنیا الا یکی دو استثنا بودیم. یک روز ـ اول انقلاب ـ آفریقای جنوبی کشوری بود که تبعیض نژادی در آن حاکم بود، ما رابطه‌مان را با آفریقای جنوبی قطع کردیم؛ بعد تبعیض نژادی از بین رفت، رابطه‌مان را برقرار کردیم؛ رابطه‌مان هم، رابطه خوبی است. آن چیزی که موجب قطع رابطه می‌شود، آن بایستی از بین برود؛ والا ما معتقد به ارتباط با همه دنیا هستیم؛ ارتباط هم بحمدالله داریم. در بعضی از دولت‌هایی که به شدت پایبند به مبانی بودند، مثل دولت شهید رئیسی، ارتباطات دنیایی‌مان هم تقویت شد، ارتباطات بین‌المللی‌مان هم تقویت شد. بنابراین اینکه می‌گوییم بایستی چشم‌مان به بیگانگان نباشد، به معنای قطع رابطه نیست، به معنای شجاعت ملی است، به معنای استقلال ملی است. شما اگر شجاعت ملی داشته باشید، استقلال ملی داشته باشید، ملت ایران شخصیت خود، توانایی خود، استقلال خود، قدرت پیشرفت خود را به دنیا نشان بدهد، احترامش در دنیا بسیار بیشتر و بالاتر خواهد شد؛ کما اینکه بحمدالله همین جور هم شده؛ انسان توفیقات بیشتری هم پیدا می‌کند.

خب عرایض ما تمام شد. من دو توصیه می‌خواهم بکنم: یک توصیه به مردم، یک توصیه به نامزدهای محترم ریاست جمهوری. توصیه به مردم عزیزمان این است که ما گفتیم «ایران قوی و سرافراز»؛ این شد شعار. ایران قوی خیلی طرفدار دارد. قوی بودن ایران فقط به این نیست که انواع و اقسام موشک‌ها را داشته باشیم؛ که الحمدلله داریم، انواع و اقسامش را هم داریم، مفید و باکاربردش را هم داریم؛ اما فقط این نیست. قوی شدن ابعاد گوناگونی دارد؛ ابعاد علمی دارد، ابعاد فرهنگی دارد، ابعاد اقتصادی دارد؛ یکی از ابعادش همین بعد حضور در میدان سیاست و میدان انتخابات است؛ این هم نشانه قوت است. پس هر کسی که علاقه‌مند به ایران قوی است، بایستی در این انتخابات شرکت کند. هر کسی معتقد به لزوم حمایت از نظام جمهوری اسلامی است، بایستی به صورت مضاعف به این اهتمام داشته باشد؛ این توصیه و عرض ما به مردم. و اما توصیه و عرض ما به نامزدهای انتخابات؛ من به این حضرات محترم عرض می‌کنم: با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست بیاورید، کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمی‌خورد؛ او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود، او از ظرفیت‌های کشور استفاده نخواهد کرد، او خوب مدیریت نخواهد کرد؛ آن کسی که راهبرد دین و شریعت را مورد بی‌اعتنایی قرار بدهد، برای شما همکار خوبی نخواهد بود. کسی را انتخاب کنید که اهل دین، اهل شریعت، اهل انقلاب، اهل اعتقاد کامل به نظام باشد. اگر شما نامزدهای محترم یک چنین عهدی با خدای خودتان ببندید، بدانید که همه کارهایی که برای انتخابات می‌کنید، حسنه خواهد بود؛ اگر یک چنین نیتی داشته باشید. اگر یک چنین عهدی با خدا ببندید، کارهای انتخاباتی می‌شود یک کار حسنه و پیش خدای متعال ثواب خواهد داشت.

امیدواریم خدای متعال توفیقات خودش را بر همه آنها، بر همه ما نازل کند. خداوند ان شاءالله همه شما را حفظ کند.